

پیش‌خوان

گذری بر «اسناد بهائیان در دوره محمدرزاشاه»

بهائیان در کسوت کارگشای استعمار

■ شاهد توحیدی

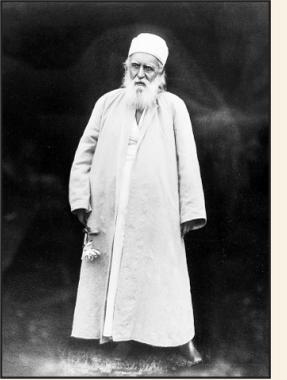


اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از نسام آن پیداست، «اسناد بهائیان در دوره محمدرزاشاه» را بازمی‌خواند. این پژوهش از سوی ثریا شهسوار انجام شده و مرکز اسناد انقلاب

اسلامی به انتشار آن همت گماشته‌است.
تار نامی

ناشر در معرفی این مجموعه، نکات ذیل را مورد توجه قرار داده‌است:

«در تحولات تاریخ معاصر ایران، فرقه بهائیت نقش منفی و مخربی ایفا کرده‌است. پیدایش این فرقه، خود موضوع مفصلی برای پژوهش می‌باشد. با این حال از همان بدو پیدایش، این گروه سیاسی در شکل و شمایل یک فرقه به ظاهر مذهبی، در خدمت منافع بیگانگان اعم از روس، انگلیس و امریکا قرار گرفت. تا جایی که عباس آفندی از سران این فرقه به پاس خدمات بی‌شائبه خود به انگلیسی‌ها و خیانت به مسلمانان، نشان و لوح سیاسی از طرف امپراطور انگلیس دریافت کرد. فرقه بهائیت به‌رغم ادعاهای خود – که در امور سیاسی دخالتی نداشتند- از عصر مشروطه تاکنون، نقش خائنانه‌ای در مورد هویت ملی و دینی در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایفا کرده‌است. برخی گروه‌های سیاسی افراطی مشروطه‌خواه که اقدامات مخربی داشتند، با این فرقه مر تبط بوده‌اند. کمیته مجازات و اقدامات آن هنوز هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. جالب آنکه اولین اقدام جهت کشف حجاب در ایران به عصر مشروطه و پیشگامی این فرقه بازمی‌گردد. در همین زمان است که عباس آفندی سر کرده فرقه بهائیت، دستور کشف حجاب و تشکیل مجالس حریت نسا را به بهائیان صادر می‌کند. ایجاد رژیم اشغالگر قدس، روابط مستحکم و استراتژیک بین بهائیان و این رژیم



➤ عباس آفندی از رهبران شاخص فرقه بهائیت

به وجود می‌آید که ریشه در وابستگی مشترک آنها به انگلستان و اهداف استعماری آن کشور داشت. فرقه بهائیت در دوره پهلوی، با توجه به سرسپردگی آن به بیگانگان، نهایت قدرت، ثروت و نفوذ را در اقصی نقاط ایران در عرصه‌های مختلف به دست آورده بود. ردپای این فرقه را در تاریخ میراث فرهنگی و آثار باستانی ایران، ترویج فحشا، منکرات، رباخواری و… می‌توان مشاهده کرد. این فرقه اهدافی را برای خود در نظر گرفته بود که در صورت عدم تحقق انقلاب اسلامی، ایران به فلسطین دیگری تبدیل می‌گردید.به‌ویژه آنکه اعضای این فرقه از اظهار آن ابایی هم نداشتند. مرکز اسناد انقلاب اسلامی امیدوار است با انتشار این پژوهش اسنادی، گامی دیگر در شناسایی بهتر این فرقه و اهداف و برنامه‌های آن بردارد و مردم و جامعه علمی کشور را در این زمینه آری رساند. مطالب کتاب حاضر، از دو بخش کلی تشکیل شده‌است: در بخش اول که قسمت پژوهشی نوشتار حاضر می‌باشد، به پیشینه تاریخی بهائیت و نحوه شکل‌گیری فرقه بهائیت و تبیین آن از زمان شکل‌گیری تا پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته شده‌است. این بخش را می‌توان نوعی بستر تاریخی دانست که برای تفسیر و توضیح بخش دوم (بخش اسناد) ضروری به نظر می‌رسد. بخش دوم شامل اسناد مختلفی است که به فرقه مربوط می‌شود. مجموعه اسناد مربوط به این موضوع در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بالغ بر چند هزار برگ است که در چند پرونده انفرادی – که شامل فعالیت‌های بهائیان در شهرهای مختلف می‌باشد. نگهداری می‌شود. اسناد مذکور که حول فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی بهائیان گردآوری شده‌است، شامل گزارش‌های مأموران شهربانی و ساواک و حاصل کنترل بهائیان توسط ادارات مختلف سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) و مأموران شهربانی است. عمده‌ترین مطالب اسناد، گزارش‌های شهربانی است که از سال‌های پایانی حکومت رضاشاه پهلوی آغاز شده و تا سال‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ادامه می‌یابد. پس از آن، گزارش‌های ساواک نیز به مطالب فوق افزوده شده‌است.»

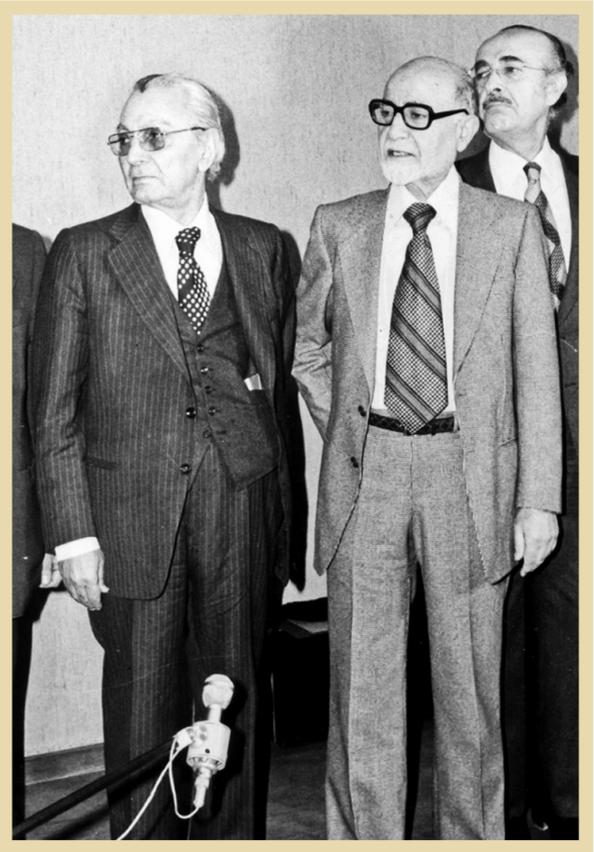
■ **احمد رضا صدری**

در بیست‌وششمین روز از فروردین ۱۳۵۸، استعفای کریم سنجابی از وزارت خارجه دولت موقت انقلاب اسلامی رسماً اعلام شد. از آن روز تا امروز، این استعفا محل گمانه‌ها و تحلیل‌های گوناگون بوده‌است. معدل این علت سنجابی‌ها، رقابت دیرینه سنجابی با مهدی بازرگان و دخالت‌های ابراهیم یزدی و دامادش در مسیر ایفای وظایف وی را نشان می‌دهد. نوشتار بی‌آمده قصد دارد تا به مدد پاره‌ای روایات و آرزوهای‌ها به شفافیت این رویداد کمک کند. امید آنکه مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **ماجرا در آیینه مروری کوتاه**

بی‌تردید جبهه‌ملی در عدادتشکل‌هایی بود که نتوانست خود را با لوازم سیاست‌ورزی در دوره جمهوری اسلامی هماهنگ سازد. علاوه بر این اصل کلی، سران جبهه از جمله دکتر کریم سنجابی، از دیرباز با مهندس مهدی بازرگان و یارانش اختلاف و رقابت داشتند و همکاری خویش با آنان را مقدر نمی‌دیدند.سیدمرتضی حسینی، پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی، درباره آغاز و انجام همکاری سنجابی با دولت موقت معتقد است: «با پیروزی انقلاب اسلامی، مهندس بازرگان کریم سنجابی را به عنوان وزیر امور خارجه دولت موقت برگزید. با این حال او کمتر از دو ماه بعد و در ۲۶ فروردین ۱۳۵۸ش، از این سمت استعفا کرد. سنجابی در مرداد ۱۳۵۸، از راهبایی به مجلس خبرگان قانون اساسی بازماند و تلاشش برای حضور در اولین مجلس پس از انقلاب اسلامی در اسفند همان سال نیز نتیجه‌ای دربر نداشت. در ۲۵ خرداد سال ۱۳۶۰، جبهه ملی در بیانیه‌ای به لایحه قصاصی که در مجلس مطرح شده بود، اعتراض کرده و برای شرکت در راهپیمایی اعتراضی فراخوان داد. این تجمع در شرایط حساس آن روزها که با حرکت مسلحانه مجاهدین خلق و ماجرای برکناری بنی‌صدر همراه شده بود، با مخالفت صریح امام خمینی(ره) همراه شد. امام خمینی، حکم بازتاد جبهه ملی دادند. از آن تاریخ فعالیت این حزب



بهمن ۱۳۵۷، مهندس مهدی بازرگان و دکتر کریم سنجابی



مهندس عزت‌الله سحابی: «در دولت موقت با اصرار مرحوم مطهری و شاید خود امام، مهندس بازرگان دکتر کریم سنجابی را به سمت وزیر امور خارجه منصوب کرد، ولی در تیر ۱۳۵۸ از این مایل به همکاری با دولت نبود. علت این عدم تمایل، حس رقابت با شخص مهندس بازرگان و اقدامات دکتر یزدی و دکتر روحانی در سفارت ایران در امریکا و شایعه پیدا کردن مدارکی علیه دوستان یا خانواده وی بود که موجب شد همبستگی و صمیمیت وی با دولت موقت مخدوش شوو…»

سایه روشن استعفای کریم سنجابی از وزارت خارجه دولت موقت

وقتی ملیون

تاب تحمل یکدیگر را نداشتند!

غیرقانونی اعلام شد و تعدادی از رهبران حزب نیز دستگیر شدند. سنجابی نیز پس از ۱۴ ماه اختفا، در مرداد ۱۳۶۱ش از ایران خارج شد و به امریکا رفت. او در سال‌های باقیمانده عمرش، اگرچه در جگه مخالفان نظام جمهوری اسلامی بود، اما به صورت عملی وارد فعالیت سیاسی نشد. کریم سنجابی سرانجام در ۱۳ تیر ۱۳۷۴ش (۴ژوئیه ۱۹۹۵م)، در ۹۱سالگی در ایالت ایلینوی امریکا درگذشت…»

■ **بسترهای انتخاب سنجابی به وزارت خارجه دولت موقت**

برای بسا محققان تاریخ انقلاب اسلامی، زمینه‌های انتخاب دکتر کریم سنجابی به وزارت خارجه دولت موقت، در خور مطالعه قلمداد می‌شود. صرف‌نظر از سوابق وی پیش از اوج‌گیری انقلاب اسلامی، او در زمره چهره‌هایی بود که سعی داشت خود را با امام خمینی و آرمان‌های ایشان همسو نشان دهد. تازنمای پژوهشکده مطالعات تاریخ معاصر ایران، مقاله‌ای در این موضوع آورده‌است:

«دکتر سنجابی در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشت و همکاری خویش با آنان را مقدر نمی‌دیدند.سیدمرتضی حسینی، پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی، درباره آغاز و انجام همکاری سنجابی با دولت موقت معتقد است: «با پیروزی انقلاب اسلامی، مهندس بازرگان کریم سنجابی را به عنوان وزیر امور خارجه دولت موقت برگزید. با این حال او کمتر از دو ماه بعد و در ۲۶ فروردین ۱۳۵۸ش، از این سمت استعفا کرد. سنجابی در مرداد ۱۳۵۸، از راهبایی به مجلس خبرگان قانون اساسی بازماند و تلاشش برای حضور در اولین مجلس پس از انقلاب اسلامی در اسفند همان سال نیز نتیجه‌ای دربر نداشت. در ۲۵ خرداد سال ۱۳۶۰، جبهه ملی در بیانیه‌ای به لایحه قصاصی که در مجلس مطرح شده بود، اعتراض کرده و برای شرکت در راهپیمایی اعتراضی فراخوان داد. این تجمع در شرایط حساس آن روزها که با حرکت مسلحانه مجاهدین خلق و ماجرای برکناری بنی‌صدر همراه شده بود، با مخالفت صریح امام خمینی(ره) همراه شد. امام خمینی، حکم بازتاد جبهه ملی دادند. از آن تاریخ فعالیت این حزب

است:

«شاید مهم‌ترین برش از حیات سیاسی کریم سنجابی، سفر او به پاریس و ملاقاتش با امام خمینی(ره) در آبان سال ۱۳۵۷ش بود. سنجابی در خاطرات خود با دفاع از این اقدام می‌نویسد: یک رهبر جبهه ملی که در حال مبارزه با استبداد است، طبیعی‌است که با روحانی دارای نفوذ در این مبارزه همکاری کند. آیا ممکن بود از این فرصت استفاده نشود و آیا مصلحت بود که از ملاقات با آیت‌الله خمینی خودداری کنیم؟… او که به قصد شرکت در کنفرانس بین‌المللی سوسیالیست‌ها در کانادا از ایران خارج شده بود، سفر خود را نیمه‌تمام گذاشت و به دیدار امام رفت. رهبر انقلاب ملاقات با سنجابی را مشروط بر اعلام صریح موضع در مورد سلطنت و شاه دانست. سنجابی متنی را به امام ارائه داد و ایشان آن را پذیرفتند. سنجابی درباره این متن کوتاه اما مهم می‌گوید: مذاکراتی شد، اشخاصی آمدند و رفتند، ولی این طرح سه‌ماهه‌ای را به خط خودم نوشتم و خدمت‌شان فرستادم. ایشان به خط خودشان، واژه استقلال را به آن اضافه و آن وقت امضا کردند. متن بیانیه اعلام مواضع دکتر سنجابی به تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۵۷، بدین شرح است:

۱- سلطنت کنونی ایران با نقض مصادوم قوانین اساسی و اعمال ظلم و ستم و ترویج فساد و تسلیم در برابر سیاست بیگانه، فاقد پایگاه قانونی و شرعی است.

۲- جنبش ملی- اسلامی ایران با وجود بقای نظام سلطنتی غیر قانونی، با هیچ ترکیب حکومتی موافقت نخواهد کرد.

۳- نظام حکومت ملی ایران باید براساس موازین اسلام و دموکراسی و استقلال، به وسیله مراجعه به آرای عمومی تعیین گردد.

در واقع باید گفت کریم سنجابی با درک موقعیت ممتاز امام خمینی در رهبری انقلاب، برای تثبیت نقش خویش در جریان مبارزات و سهم‌خواهی پس از پیروزی، با امام دیدار کرد. انتشار اعلامیه سه ماده‌ای پاریس از سوی رهبر جبهه ملی، چرخش آشکار مواضع سیاسی و رادیکال شدن این جبهه و اعتقاد به فقدان مشروعیت سیاسی و غیرقانونی بودن رژیم را عیان کرد و در حقیقت نشان داد که سایر نیروهای اپوزسیون در برابر تصمیمات قاطع امام خمینی، قادر به هیچ نوع مقاومتی نبودند…»

■ **داماد ابراهیم یزدی، اموال سفارت ایران در امریکا را در دست گرفته‌است!**

به هر روی کریم سنجابی با سپری شدن دو ماه از برگزیده شدن به عنوان وزیر خارجه دولت موقت، استعفای خود را علنی کرد. از همان آغاز و از جمله مصاحبه وی در پی بی‌روسی‌داد، از دلخوری‌های نامبرده از شه‌ریار روحانی داماد ابراهیم یزدی، سخن به میان آمد. با این همه او پس از گریز از ایران و در بازگویی خاطرات خویش به صراحتی افزون‌تر در این موضوع سخن گفت:

«در شهریار روحانی با عده‌ای از افراد خود به سفارت ریخت و پرونده‌های سفارت را جمع‌آوری کرده و اموال سفارت را در دست گرفته و روی دقت‌بند و حساب سفارش‌ها هم دست‌انداخت بود و افرادی را که کارمند رسمی سفارت بودند، بدون کسب دستور از مرکز از خدمت اخراج می‌کرد. خیر اینها مرتب به ما می‌رسید. من مقابل این آشفتگی‌ها از سوی امام بری عدم عضویت وی در شورا متذو با او ملاقات می‌کردند، علت عدم پذیرش متذو با او شورا را چنین بیان می‌کنند: من به آنها جواب دادم، چون با اصل ایجاد شورای انقلاب مخالف هستم. یک حکومت انقلابی و یک شورای انقلابی، دو مؤسسه در مقابل یکدیگر می‌شوند و همدیگر را خنثی می‌کنند…» اما بر خلاف گفته‌های سنجابی، مهندس بازرگان علت عدم عضویت وی را حضور خودش – بازرگان – در شورای انقلاب ذکر می‌کند. به گفته وی، سنجابی زمانی که از سوی آیت‌الله مطهری برای عضویت در شورا دعوت شد، چون نام او را در ترکیب شورای انقلاب شنید، از عضویت در آن خودداری کرد. برخی این اختلاف را نخستین اختلاف عمده میان انقلابی‌اش لیبرال در ائتلاف ضد شاه می‌دانند. با تشکیل دولت موقت، مهندس بازرگان دکتر سنجابی را به سمت وزیر امور خارجه بر سرست. ام‌اوی در ۲۶ فروردین ۱۳۵۸، پس از ۵۵روز از کمیته خویش استعفا کرد. بنا بر گزارش‌های روزنامه کیهان، عواملی چون اختلافات سنجابی با ابراهیم یزدی و بازداشت فرزندان آیت‌الله طالقانی از مهم‌ترین علت‌های کناره‌گیری وی بود…»

■ **سنجابی و اعلام موضع صریح در نوفل لوشاتو**
به باور بسا تحلیلگران سیاسی، آنچه توجه رهبران انقلاب اسلامی را به کریم سنجابی معطوف داشت، مواضع صریح و قاطع وی علیه رژیم شاه در پی دیدار با امام خمینی در نوفل لوشاتو بود. سیدمرتضی حسینی در چیستی این مواضع، به نکات بی‌آمده اشارت برده



اسفند ۱۳۵۷،مهم دکتر کریم سنجابی، در کنار حجت‌الاسلام سیداحمد خاتمی، آیت‌الله سیدمرتضی حسینی،سیدمحمد بازرگام یزدی

■ **سنجابی و بازرگان، به یکدیگر خوشبین نبودند**

پاره‌ای روایات موجود درباره موضوع مقال، از عدم خوشبینی دیرین و متقابل کریم سنجابی و مهدی بازرگان به یکدیگر خبر می‌دهند. در این صورت دخالت‌های ابراهیم یزدی و دامادش در حوزه اختیارات وزیر امور خارجه صرفاً می‌تواند امری فرعی و تشدیدکننده این رقابت و اختلاف در دوره مسئولیت سنجابی قلمداد شود. چنانکه مهندس عزت‌الله سنجابی در خاطرات خویش بدین امر اذعان نموده‌است:

«آقای خمینی شخصاً اصرار داشت دکتر کریم سنجابی عضو شورای انقلاب باشد، ولی ایشان اصلاً در جلسات شورا شرکت نکرد. در دولت موقت با اصرار مرحوم مطهری و شاید خود امام، مهندس

۹ جوان

| روزنامه جوان | شماره ۲۰۰۴

بازرگان وی را به سمت وزیر امور خارجه منصوب کرد، ولی در تیر ۱۳۵۸ از این مسئولیت استعفا کرد و پس از آن مایل به همکاری با دولت نبود. علت این عدم تمایل، حس رقابت با شخص مهندس بازرگان و دوم اقدامات دکتر یزدی و دک‌نسر روحانی در سفارت ایران در امریکا و شایعه پیدا کردن مدارکی علیه دوستان یا خانواده وی بود که موجب می‌شد همبستگی و صمیمیت وی با دولت موقت مخدوش شود. هنگامی که دکتر سنجابی وزیر امور خارجه دولت موقت شد، صریحاً می‌گفت ما بر سفارت ایران در امریکا هیچ گونه اشرافی نداریم، زیرا آنجا تحت امر آقای دکتر یزدی قرار داد! این در حالی بود که روابط ایشان با امام خوب بود و از ناحیه او نیز تأیید می‌شد. زمانی که امام در پاریس بود، دکتر سنجابی با وساطت مرحوم دکتر سامی به نوفل لوشاتو رفت و با آقای خمینی دیداری کرد. امام هم در آن دیدار، تأیید انقلاب اسلامی و ششعاز اصلی آن را از دکتر سنجابی گرفت. نتیجه این اقدام همان بود که آقای مطهری اعلام کرد. ایشان گفت نظر امام بر حضور آقای سنجابی در شورای انقلاب است. دکتر سنجابی از پاریس به امریکا رفت و مرحوم مهندس بازرگان فکر می‌کرد، دکتر سنجابی با این دیدار می‌خواست اعتباری از آقای خمینی بگیرد و در امریکا بر اساس این اعتبار، گفت‌وگو و مذاکراتی کند. این عدم خوشبینی میان مهندس بازرگان و دکتر سنجابی، یک‌طرفه نبود. در کمیته حقوق بشر که پیش از انقلاب تشکیل شده بود، دکتر سنجابی خود را سزاوار ریاست این کمیسیون می‌دانست، ولی مهندس بازرگان رأی اول را آورد. این امر موجب شد که دیگر در جلسات حقوق بشر شرکت نکرد. البته سن در آن زمان در زندان بودم و در جریان روند اختلافات نبودم، ولی اگر هم اختلافاتی اصولی از طرف ایشان مطرح شده باشد، چنان نبود و ایشان در کل نظر مثبتی برای همکاری با بازرگان نداشت…»

■ **ماجرا از اختلاف قدیمی جریانات ملی بازمی‌گشت**

آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی نیز به عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب و معتمدین امام خمینی، استعای سنجابی را به اختلافات قدیمی جریانات ملی باز کرده‌اند است. او همچنین خبر می‌دهد که وزیر خارجه وقت در ۲۰ اسفند ۱۳۵۷ استعفا کرد، اما به توصیه امام خمینی و موقتاً آن را علنی نکرد: «آقای سنجابی در ۲۰ اسفند۵۷، از وزارت امور خارجه استعفا کرد. بر خلاف آنچه بعدها در مصاحبه‌های آقای دکتر سنجابی و آقای احمد سلامتیان ادعا شد، علت استعفای ایشان اعتراض به فعالیت کمیته منصوب امام در سفارت ایران در واشینگتن نبود.اختلافات قدیمی میان این جریان‌ها (جبهه ملی و نهضت آزادی) با شدت و ضعف… در طول فعالیت دولت موقت وجود داشت و امام نیز از وجود آن مطلع و تا حدودی نگران و ناراحت بودند، به طوری که وقتی برای اولین بار مسئله استعفای آقای سنجابی از وزارت امور خارجه (در ۲۰ اسفند ۱۳۵۷) پیش آمد، ایشان (امام) از من خواستند با آقای سنجابی صحبت کنم و از این کار مشرفشان سالم و باوهم مطمئن کنم. جمع دولت‌بم‌اند. من در شب همان روز، به منزل ایشان در منطقه نیابوران رفتم. آقای (احمد) سلامتیان هم که دستیار آقای سنجابی بود، حضور داشت. پیام امام را با توضیحاتی از خودم که ضروری می‌دانستم، با ایشان در میان گذاشتم. آقای سنجابی هم با پذیرش نظر امام در آن مقطع، بر بروز علنی این اخلاف سروش گذاشت، اما این کار او چندان دوام نیاورد و سرانجام با مطرح کردن دلایلی تقریباً غیرواقعی – که حتی مورد قبول دولت و دوستانش هم نبود – و بدون توجه به مخالفت‌های مابو برخی از اعضای جبهه ملی و وزارت امور خارجه (در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۵۸) استعفا کرد. مرحوم فروهر که خود از رهبران جبهه ملی بود، از این استعفا متعجب شده بود و از دکتر سنجابی که این مسئله را در شورای مرکزی جبهه ملی مطرح کرده و در این شرایط حساس، صحنه خدمت به انقلاب را ترک کرده بود، سخت گله‌مند بود…»

■ **بازرگان با معاوانان گزینش شده از سوی سنجابی مخالف بود**

ابراهیم یزدی در مقام دفاع از خویش در ماجرای استعفای کریم سنجابی، ماجرا را بسه معاوانان گزینش شده توسط وی ربط می‌دهد، اما اختلاف مهندس بازرگان با وزیر خارجه‌اش را می‌پذیرد. او همچنین اذعان دارد بسیاری از آن دوره تاکنون، دخالت‌های وی در مساللت وزارت خارجه را علت

این امر می‌دانند:

«آقای دکتر سنجابی در شروع به کارشان در وزارت امور خارجه، چهار نفر یعنی آقایان: احمدسلامتیا، فرج آزادان، حسن لیباسچی و مسعود امینی را به عنوان معاونان خود منصوب کرد. آقای مهندس بازرگان پس از تصویب وزیر پیشنهادی در شورای انقلاب باوزاری خود مطرح می‌کردند که تصویب‌وزرا با شورای انقلاب است. در انتخاب معاونان وزیر باید با من مشورت شود. آقای مهندس بازرگان با انتصاب این معاونان و از جمله آقای احمد سلامتیان مخالف کردند. آقای دکتر سنجابی اواخر اسفند ۱۳۵۷ به دنبال این اختلاف نظر با آقای مهندس بازرگان، از سمت خود در وزارت امور خارجه استعفا کرد. آقای مهندس بازرگان از من خواستند مراتب را به اطلاع امام برسانم. امام توسط من به مرحوم دکتر سنجابی پیام دادند که اعلام استعفا را به بعد از انجام فرایند موکول نمایندند. آقای دکتر سنجابی پس از ماجرای بازداشت مجتبی طالقانی و بیرون رفتن آیت‌الله طالقانی از تهران، استعفای خود را اعلام کرد. اما در همه جا‌دعا کردند که استعفایشان در اعتراض به دخالت‌های من در امور سفارت ایران در واشینگتن بوده‌است. این یک ادعای نادرستی بود و هر بار که مطرح می‌شد، درباره آن توضیح داده‌ام…»